

عنوان مقاله:

بررسی تفکیک وظایف نظارتی و اجرائی ذیحساب در دستگاههای اجرائی استان آذربایجان غربی

محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

علیرضا احمدی - کارشناسی ارشد مدیریت دولتی - مالی

خلاصه مقاله:

به دنبال چندین سال عملکرد ذیحسابان (بطور روشن در سال 1349 بعد از تصویب قانون محاسبات عمومی) در دستگاههای اجرائی اخیراً دیدگاههای جدیدی مبنی بر انتقاد از عملکرد ذیحسابان و سیستم ذیحساب محوری در دستگاههای اجرائی ، در بین برخی از صاحبان نظران مالی پدید آمده است. همانطور که ماده 31 ق.م.ع در مورد وظایف ذیحساب نگاشته است و قانون برای ذیحساب هم نقش نظارتی و هم نقش اجرائی قائل است ، آن قانون ذیحساب را بدین منظور تحقیق فوق در دستگاههای اجرائی استان آذربایجان غربی مورد بررسی قرار گرفته و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از شاخصهای آماری توصیفی و جهت تعیین معنی دار بودن رابطه بین متغیرها در هر 2 فرضیه از آزمون آماری خی دو، و t استودنت جهت مقایسه میانگین دو جامعه در سطح آلفای 5 به عبارتی سطح اطمینان 95 و به کمک نرم افزار spss مورد تجزیه و و تحلیل قرار خواهد گرفت. و به طور کلی یافته های تحقیق نشان می دهد که واگذاری وظایف اجرائی ذیحساب به رئیس دستگاه باعث افزایش سطح کارائی نظارتی ذیحساب و سطح کارائی رئیس دستگاه در دستگاههای اجرائی می شود. هم یک قاضی امر تطبیق اسناد و مدارک با قوانین و مقررات می بیند و نقش نظارتی به او میدهد و هم به عنوان یک مجری مالی ، با داشتن وظایف نظارتی و همچنین وظایف اجرائی و سنگین بودن مسئولیت ناشی از پاسخگویی مالی مردم و مراجع ذیربط ، که آیا این سیستم صحیح است یا خیر؟ هدف علمی پژوهش با توجه به نقش ذیحساب طبق ماده 31 ق.م.ع بررسی تفکیک وظایف اجرائی از نظارتی ذیحساب و واگذاری آن به رئیس دستگاه اجرائی و میزان تأثیر آن بر سطح افزایش کارائی نظارتی ذیحساب و افزایش سطح کارائی رئیس دستگاه در دستگاههای اجرائی می باشد

کلمات کلیدی:

ذیحساب، رئیس دستگاه، دستگاه اجرایی، کارایی، اثربخشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/559470>

